

روى موج كو تازه

خطيب زاده:

پژشکيان به قزاقستان سفر می‌کند

معاون وزیر خارجه از سفر «مسعود پژشکيان»، رئيس جمهور ايران، به قزاقستان تا پايان سال جاری ميلادی خبر داد. به گزارش ايسنا، «سيد خطيب‌زاده» در گفتو گو با خبر گزاری «کازاينفورم» افزود: در چار چوب اين سفر، بيش از ۲۰ سند همکاری در حوز ههای اقتصادی، فرهنگی و کشاورزی ميان دو کشور آماده امضاست. او با تأکيد بر اينکه ايران وقزاقستان «شر کای طبيعي» ودولت‌برادر با پيوندهای تاريخی و فرهنگی هستند، یادآور شد: دو کشور به‌عنوان همسایگان در يای خزر، روابطی عمیق در زمینه‌های سياسی، اقتصادی، فرهنگی و انسانی دارند و همکاری نزدیکی در سازمان‌های منطقه‌ای مانند شانگهای ا کو سازمان همکاری اسلامی برقرار کرده‌اند.

□□□□

قالباب قانون پیوستن ایران به CFT را ابلاغ کرد

رئيس مجلس شورای اسلامی، قانون پیوستن ایران به کنوانسیون CFT را ابلاغ کرد. محمدباقر قالبباب، در نامه‌ای به مسعود پژشکيان، رئيس جمهور، «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ايران به معاهده (کنوانسیون) بين المللی ماقبله با تامين مالی تروریسم»، را مطابق اصل ۱۲۳ قانون اساسی ابلاغ کرد. ابلاغ این قانون در حالی است که گروهی از نمایندگان مجلس با طرحی دو فورتی قصد داشتند دولت را به خودداری از تحویل اسناد پذیرش معاهده ماقبله با تامين مالی تروریسم ملزم کنند. این در طرح در جلسه سه‌شنبه، ۲۲ مهرماه در صحن علنی مجلس به رأی گذاشته شد که به دليل عدم احراز دو سوم آرای نمایندگان، از دستور کار خارج شد.

□□□□

بر آشفتنگی نماینده مجلس از افشاکری کار شکنی‌های روسیه در برجام؛

«زارعی»، دادستانی را ملزم به احضار و ارشاد «ظریف» کرد!

عضو کمیسیون امنیت ملی به سخنان اخیر ظریف در پاسخ به اتهامات لاوروزیر خارجه روسیه در بار موضوع انسپیک افشای کار شکنی‌های این کشور در جریان مذاکرات واجرای برجام، واکنش تندی نشان داد. مجتبی زارعی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آقای ظریف! شما فردي وطن‌خواه می‌نسانس، اما اگر اینک در چار چوب مناسبات امنیت ملی سکوت نکنید و باز هم گویا عیان شدن خسارای محض برجام را نخواهید ببینید و دفاع شخصی را بر دفاع ملی ترجیح دهید دادستانی کل موظف است شما را بخاطر اخلال در امنیت ملی فوراً احضار و ارشاد کند! لطفاً وسط جنگ با امخواران ضد ایرانی به سود دشمن کوچ‌های جدید باز نکنید!»

□□□□

درباره پرونده هسته‌ای ایران صورت گرفت

دایزنی تلفنی وزیر خارجه مصر
با عراقچی»، «گروسی» و «ویتکاف»
وزارت امور خارجه مصر در بیانیه‌ای از تماس‌های وزیر خارجه این کشور با همتای ایرانی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و فرستاده ویژه آمریکا با محوریت بررسی و گفتو گو درباره توافق جامع هسته‌ای خبر داد. به گزارش ایرنا به نقل از الجزیره، «دیر عبدالعاطی» در این تماس حضورت فراهم کردن شرایطی برای از سرگیری روند مذاکرات بین تهران و واشنگتن باهدف دستیابی به توافق جامع درباره برنامه هسته‌ای ایران را مورد بررسی قرار داد. پایگاه «لقاهره الإخباریه» نیز گزارش داد که وزیر خارجه مصر در این تماس با همچنین به بررسی ضرورت کاهش تنش‌ها، اعتمادسازی و فراهم کردن شرایط احیای روند مذاکرات بین ایران و آمریکا برای دستیابی به توافق جامع هسته‌ای بدر نظر گرفتن منافع همه طرف‌ها و کمک به تحقق امنیت وثبات منطقه‌ای پرداخت. همچنین توافق شد که این تادش‌ها و تماس‌ها مورد بررسی ایده‌های پیشنهادی به منظور حصول گشایش و موفقیت مورد انتظار ادامه یابد.

□□□□

واکنش نماینده سابق مجلس به دبیر ستاد امر به معروف:
دوباره احساس کردید یکم شرایط آروم شده، از تو غارتون در اومدین؟!

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران روز جمعه خبر از تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» با مشارکت دستگاه‌های فرهنگی واجرای داده بود. در واکنش به این خبر، جلال رشیدی کوچی با انتشار تصویری از مؤمن نسب که این اظهارات را داشته است، در شبکه ایکس نوشت: «دوباره احساس کردید یکم شرایط آروم شده، از تو غارتون در اومدین؟!»

□□□□

رد اتهامات سازمان امنیت انگلیس علیه ایران

سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن در بیانیه‌ای قویاً اتهامات بی‌اساس مدیر کل سازمان امنیت بریتانیا (MI۵) علیه کشور ما را رد کرد. سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن ضمن اعتراض تشدید در قاطع اظهارات اخیر مدیر کل سرویس امنیتی بریتانیا (MI۵) که ۲۴ مهر ۱۴۰۴ بیان شده، اتهامات بی‌اساس و خصمانه مندرج در این اظهارات را به حمله ادعاهای مربوط به دخالت جمهوری اسلامی ایران در به اصطلاح، «طرح‌های مرگبار» یا «اقدامات تجاوز کارانه فرامرز» ا قاطعانه رد و اعلام کرد: «این ادعاهای بی‌بایه و غیرمسئولانه، بخشی از روند مستمر تحریف‌ها دسوفه‌نمایی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و مخدوش ساختن روابط دیپلماتیک دو جانبه است. در این بیانیه آمده‌ست: همانطور که بارها در اطلاعیه‌های رسمی سفارت تأکید شده، دولت جمهوری اسلامی ایران هر گونه دخالت در اقدامات مشحونت آمیز، آدم‌ربا یا بازوآند افراد در بریتانیا یا سایر نقاط را به‌طور قاطع رد می‌کند. این ادعاها، بدون مدارک قابل اعتماد بوده و با تعهد مستمر ایران به حقوق بین‌الملل، اصل برابری حاکمیتی و ترویج همزیستی مسالمت آمیز و همکاری بین‌المللی در تضاد است.

□□□□

فرمانده نیروی دریایی ار تش:
استراتژی دشمن

حذف ایران از کریدور هاست
فرمانده نیروی دریایی ارتش اظهار کرد: امروز تمام تلاش و استراتژی دشمن این است که کریدور ها را محدود کند و فقط خودش از آن بهره‌مند شود و ما را به نوعی حذف کند. به گزارش فارس، امیر در یادر شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی ارتش دیوژر در سمینار تخصصی بررسی پیش‌پیش‌نویس سند جامع توسعه دریایی کشور اظهار کرد: ما همیشه در اسنادمان تأکید بر شمال –جنوب داشتیم و از شرق به غرب غافل بودیم.

میرا قربانی فر

شنبه، ۲۶ مهر ۱۴۰۴، تهران صبحی متفلوت را تجربه کرد. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که «دوره زمانی ۱۰ ساله تعیین شده طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد به پایان رسیده و از این تاریخ، همه مفاد آن خاتمه یافته تلقی می‌شوند.» این جمله، ساده به نظر می‌رسد، اما معنایش سنگین است: تهران اعلام کرده که دیگر خود را پایبند به قطعنامه‌ای نمی‌داند که از سال ۲۰۱۵ چار چوب اصلی روابط هسته‌ای ایران و جهان بود.

در ظاهر، این روز همان وعده‌ای است که برجام برایش برنامهریزی کرده بود. روزی که ایران، پس از ۱۰ سال محدودیت در غنی‌سازی، تحقیق و توسعه و فروش تسلیحات، از قید این بندها رها می‌شود. اما واقعیت سیاسی و حقوقی پشت این بیانیه، به مراتب پیچیده‌تر از آن است که در چند جمله خلاصه‌شود.

از برجام تا امروز؛ مسیر ۱۰ساله امیدوایام

تابستان ۱۳۹۴، پس از سال‌ها مذاکرات فرسایشی، ایران و شش قدرت جهانی به توافقی تاریخی رسیدند: برجام. توافقی که قرار بود هم نگرانی‌های غرب درباره برنامه هسته‌های ایران را برطرف کند و هم تحریم‌های سازمان ملل و غرب را از دوش اقتصاد ایران بردارد. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، در تیر همان سال، به‌عنوان پشتوانه حقوقی برجام تصویب شد. این قطعنامه مقرر می‌کرد که پس از گذشت ۱۰ سال، یعنی در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، تمامی محدودیت‌های هسته‌ای نظارتی بر ایران خاتمه یابد و پرونده ایران از دستور کار شورای امنیت خارج شود، مگر آن که شوروتصمیم‌تازای بگیرد. برجام اما از همان ابتدای ابراهی لغزنده حرکت می‌کرد. با خروج دولت نودامه از ترمز از توافق در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، ستون‌های این توافق لرزد. در نهایت، توافقی که قرار بود ۱۰ سال صلبی هسته‌ای را تضمین کند، به میدان جدل از مناقشه و تفسیرهای متضاد تبدیل شد.

روز پایان یا آغاز مناقشهای تازه؟
اکنون که ۱۰ سال از تصویب برجام می‌گذرد، ایران می‌گوید همه چیز تمام‌شده است. وزارت خارجه در بیانیه خود تأکید کرده «موضوع هسته‌ای ایران که تحت عنوان منع اشاعه در دستور کار شورای امنیت قرار داشته است، باید از فهرست موضوعات مورد بررسی شورا خارج شود». اما طرف مقابل، یعنی کشورها یروپایی و آمریکا، روایت دیگری دارند. از نظر آن‌ها، برجام عملاً پیش از رسیدن به «روز پایان» فروپاشیده بود. سه کشور اروپایی عضو

گزارش

نشنال اینترست تحلیل کرد:

چرا بازگشت آمریکابه پایگاه بگرام برای ایران خطرناک است؟

اعلام تصمیم دونالد ترامپ برای بازگرداندن نیروهای آمریکایی به پایگاه هوایی بگرام در افغانستان، موجی از تحلیل‌ها و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی را در سه پایتخت بزرگ ـ تهران، پکن و مسکو ـ برانگیخته است. این اقدام، در ظاهر گامی در جهت بازتعریف نقش واشنگتن در جنوب آسیای مرکزی است، اما در واقع می‌تواند صحنه رقابت قدرت‌های جهانی را در درم‌حله‌ای تازه کند. بازگشت احتمالی آمریکابه بگرام، تنها یادآور دوران جنگ‌های دوده‌های در افغانستان است، بلکه اکنون در قالبی جدید، به نقطه تلاقی منافع امنیتی، اقتصادی ونظامی ایران، چین و روسیه تبدیل شده‌ست؛ جایی که هر یک از این کشورها، آن را نشانه‌ای از تغییر موازنه قدرت در قلب آسیای می‌انند.

به گزارش جمارن، نشنال اینترست نوشت: اعلام رئیس‌جمهور دونالد ترامپ مبنی بر قصد بازگرداندن کنترل پایگاه هوایی بگرام به آمریکا، بحث تازه‌ای درباره نقش آمریکادر جنوب آسیای مرکزی به راه‌انداخته است. این پایگاه نماد جنگ ۲۰ ساله آمریکادر افغانستان شده‌ست. نیروهای نظامی آمریکادر جریان خروج پرهرج و مرج خود در ژوئیه ۲۰۲۱ این پایگاه را ترک کردند که به طالبان اجازه داد ماه‌دهد دوباره به قدرت بازگردد. اگر طالبان این پایگاه را بازگردانند، ارتش آمریکا وارد کشوری خواهد شد که از زمان خروج، تغییرات زیادی را تجربه کرده است. آ‌باز بازگشت آمریکا به معنای تعادل به‌باز گرداندن شرایط گذشته است یا پذیرفتن نقش جدیدی در منطقه؟

موقعیت جغرافیایی بگرام به تنهایی اهمیت آن را توضیح می‌دهد. این پایگاه حدود ۱۰۰ مایل با تهران فاصله دارد، تنها ۴۰۰ مایل تا استان بر تنش سین کیانگ چین و کمتر از ۸۰۰ مایل تا بندر گوادر پاکستان، که نقطه حیاتی در ابتکار کمربند و جاده چین است. از این نقطه واحد، واشنگتن دسترسی نادی به نقطه‌ای درون قاره‌ای دارد تا هم‌زمان با رصد در صورت لزوم، بمقابله با جاه طلبی‌های نظامی ایران و گسترش نفوذ اقتصادی و امنیتی چین عمل کند. تلاش ترامپ برای بازگشت به بگرام، این پیام را می‌دهد که افغانستان دیگر صرفاً بخشی از استراتژی ضد تروریسم آمریکا نیست، بلکه عرصه اصلی رقابت قدرت‌های بزرگ خواهد بود.

تاریخچه بگرام وارزش راهبردی آن

پایگاه بگرام که در دهه ۱۹۵۰ ساخته شده، در جنگ شوروی – افغانستان در دهه ۱۹۸۰ مکز تأملی شوروی یابود. پس از مداخله آمریکادر سال ۲۰۰۱، بگرام توسعه چشمگیری یافت. با دو باند پرواز طولانی، آشیانه‌های مستحکم، مراکز لجستیکی گسترده و سیستم‌های پیشرفته نظارتی، این پایگاه یکی از توانمندترین

برجام بریتانیا، فرانسه و آلمان مکانیسم موسوم به «ماشه» را فعال کردند؛ سازوکاری که در صورت نقض تعهدات از سوی ایران، تحریم‌های پیشین شورای امنیت را دوباره برقرار می‌کند.

دوروابت از یک پایان

در تهران اما مقامات وزارت خارجه اصرار دارند که سازوآپا و آمریکا هیچ گونه مبنای حقوقی برای فعال‌سازی ماشه ندارند. حمید قنبری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه، گفته است: «اقدامی که سه کشور اروپایی انجام دادند شبیه همان کاری است که آمریکا در زمان ترامپ انجام داد. آن زمان هم جامعه بین‌المللی این اقدام را غیرقانونی دانست. حالا بحث تفاوتی ندارد.»

اما در پایتخت‌های اروپایی نگاه متفاوتی حاکم است. آن‌ها می‌گویند ایران با گسترش غنی‌سازی، محدود کردن دسترسی بازرسان آژانس و افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده، برجام را نقض کرده است و بنابراین حق فعال‌سازی ماشه محفوظ است.

در میانه این مناقشه، اظهارات عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، نیز بازتاب گسترده‌ای یافت. او در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت که ایران از این پس تنها به تعهدات خود در چار چوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پایبند است و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صرفاً در چار چوب توافق بامدان انجام خواهد شد.

عراقچی تأکید کرد: «با پایان قطعنامه ۲۲۳۱، پرونده ایران از دستور کار شورای امنیت خارج می‌شود و تمامی محدودیت‌های سازمان ملل لغو شده‌ست.» این سخنان از دید تحلیلگران غربی، به معنای فاصله‌گیری ایران از چار چوب نظارتی برجام و از نگاه تهران، نوعی بازتعریف وضعیت حقوقی کشور است: ایران می‌خواهد مانند هر عضو دیگر NPT تلقی شود و دیگر به عنوان «پرونده ویژه» زیر ذربین شورا باقی نماند.

پایان قطعنامه ۲۲۳۱ در سایه بازگشت محدودیت‌های شورای امنیت و اختلافات حقوقی با اروپا

رهایی روی کاغذ؛ تنگنای تحریم در میدان



برقرار کرده‌است. محدودیت فروش نفت و گاز، انسداد دارایی‌های بانک مرکزی، ممنوعیت صادرات فناوری‌های حساس و حتی محدودیت سفر مقامات ایرانی، همگی دوباره فعال شدند.

اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای تصریح کرده‌بود که با توجه به «عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای خود»، دیگر دلیلی برای حفظ تعلیق تحریم‌ها وجود ندارد. در سطحی گسترده‌تر نیز، ایالات متحده تحریم‌های ثانویه خود را علیه شرکت‌ها و کشورهایی که با ایران همکاری می‌کنند گسترش داده است. در چنین شرایطی، پرسش این است که آیا فشاری بر اختلاف حقوقی در حالی که واقعیت اقتصادی چیز دیگری می‌گوید، قیاده‌ای دارد؟

دیپلماسی در تنگنای واقعیت

درون وزارت خارجه ایران، تلاش آشکاری برای نمایش یک پیروزی حقوقی دیده می‌شود. بیانیه روز شنبه با عباراتی حساب‌شده تنظیم شده تا هم جنبه نمادین «پایان محدودیت‌ها» را برجسته کند و هم همچنان «تعهد به دیپلماسی» را یادآور شود. اما منتقدان می‌گویند این نوع بیانیه‌ها، بیش از آن که در سیاست جهانی اثر گذار باشند، مصرف داخلی دارند و در عین حال، برخی کارشناسان معتقدند همین موضع‌گیری می‌تواند در آینده برای ایران یک چانه‌زنی باشد. به بیان دیگر، بیانیه اخیر نه یک ابتکار دیپلماتیک بلکه مقدمه‌ای برای بازتعریف آن است. اما این بازتعریف‌اگر بدون پشتوانه‌ی اقتصادی و سیاسی باشد، در نهایت می‌تواند به انزوای بیشتر تهران منجر شود.

واقعیت سخت تحریم‌ها

در مقابل هم‌زمان با بیانیه تهران، شورای اتحادیه اروپا اعلام کرد که تمام تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را مجدداً به‌کار می‌گیرد. این تحریم‌ها شامل تحریم‌های مالی، تجاری و فناوری می‌شود. تحریم‌های مالی شامل ممنوعیت صادرات و واردات برای ایران و تحریم‌های تجاری شامل ممنوعیت فروش و خرید کالاها و خدمات برای ایران است. تحریم‌های فناوری شامل ممنوعیت فروش و خرید تجهیزات و خدمات فناوری برای ایران است. این تحریم‌ها می‌تواند به اقتصاد ایران آسیب جدی برساند و به بی‌ثباتی در بازارهای مالی منجر شود.

دیپلماسی میان آرمان و واقعیت

از نگاه درون سیستمی در ایران، اعلام پایان قطعنامه ۲۲۳۱ یک پیروزی نمادین است. مقامات می‌خواهند نشان دهند که «دوران فشار و تحریم» به پایان رسیده‌است.

اما در سطح بین‌الملل، تبعات این موضع بسیار سنگین تر است. وقتی ایران می‌گوید تنها به تعهدات NPT پایبند است، در واقع خود را از زیر چتر توافقی بیرون می‌کشد که تا همین اواخر، مبنای کاهش تحریم‌ها بود. این یعنی گام نهان‌دن در فضایی مبهم که می‌تواند هم فرصت باشد، هم خطراً

وزارت خارجه در چنین فضایی باید میان دوا مسیریکی را برگزیند؛ یا با تکیه بر «پایان حقوقی» محدودیت‌ها، دیپلماسی تازه‌ای را آغاز کند تا از بن‌بست خارج شود، یا با تداوم لحن تقابلی، به سمت تشدید تحریم‌ها و انزوای بیشتر برود.

فشاری ایران بر این که «مفاد قطعنامه خاتمه یافته‌اند»، از یک منظر قابل درک است: تهران می‌خواهد نشان دهد که نظام بین‌الملل نمی‌تواند تأید پرونده‌ای علیه آن باز نگه دارد. اما مشکل آنجاست که در نظم جهانی کنونی، مشروعیت حقوقی بدون پذیرش سیاسی معنا ندارد.

اروپا و آمریکا در عمل تصمیم گرفته‌اند تحریم‌ها را بازگردانند و حتی کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا نیز با آن همراه شده‌اند. بنابراین، اعلام «پایان محدودیت‌ها» تنها در صورتی معنا خواهد داشت که تهران بتواند در عرصه عمل نیز تغییری ایجاد کند؛ مثلاً با آغاز مذاکرات جدید، یا ارائه طرحی برای احیای بخشی از همکاری‌های فنی با آژانس.

راه‌های ممکن پیش‌رو

در چنین وضعیتی، گزینه‌های دولت و دستگاه دیپلماسی ایران محدود اما تعیین‌کننده‌اند. نخستین گام، شفاف‌سازی است. ایران باید برای افکار عمومی جهانی روشن کند که اعلام پایان قطعنامه ۲۲۳۱ به معنای خروج از NPT یا ترک همکاری با آژانس نیست. این توضیح می‌تواند مانع از شکل‌گیری سوءبرداشت‌هایی شود که در گذشته زمینه‌ساز اجماع جهانی علیه ایران بوده‌است.

گام دوم بازنگری در راهبرد اقتصادی و منطقه‌ای است. اکنون که تحریم‌ها بازگشته‌اند، ایران باید مسیرهای تازه‌ای برای تعامل اقتصادی پیدا کند؛ از گسترش روابط با کشورهای همسایه تا جذب سرمایه از بلوک‌های شرقی و منطقه‌ای. گام سوم نیز حفظ کانال‌های دیپلماتی با اروپا و آمریکا است. تأکید بر دیپلماسی در بیانیه وزارت خارجه اگر صرفاً جنبه تزئینی نداشته باشد، می‌تواند نقطه شروعی برای گفت‌وگوهای جدید باشد. شاید نه درباره خود برجام، بلکه درباره ترتیبات امنیتی و منطقه‌ای جدید و نهایتاً، تبادل مبادی «افزایش ظرفیت هسته‌ای» و «حفظ ثبات اقتصادی» تعادل برقرار کند. تجربه نشان داده هر گامی که ایران در مسیر توسعه فنی بدون همراهی سیاسی برداشته، بلافاصله با موج تازه‌ای از تحریم روبرو شده و بدون حسابگری دقیق، هر موفقیت فنی می‌تواند هزینه‌ای سیاسی داشته باشد.

دیپلماسی در بزنگاه تصمیم

۱۰ سال پیش، امضای برجام با جشن و امید همراه بود. بسیاری تصور می‌کردند پرونده هسته‌ای ایران برای همیشه بسته شده و اقتصاد کشور به مسیر عادی باز خواهد گشت.

شماره ۲۰۲۶ / یکشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۴ / ۲۶ ربيع الثاني ۱۴۴۷ / ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵

اکنون که ۱۰سال از تصویب برجام می‌گذرد، ایران می‌گوید همه چیز تمام‌شده و وزارت خارجه در بیانیه خود تأکید کرد «موضوع هسته‌ای ایران که تحت عنوان منع اشاعه در دستور کار شورای امنیت قرار داشته است باید از فهرست موضوعات مورد بررسی شورا خارج شود» اما طرف مقابل، یعنی کشورهای اروپایی و آمریکا، روایت دیگری دارند

امروز، همان پرونده دوباره بر میز شورای امنیت است، با همان واژه‌ها و همان اختلاف‌ها- فقط با زیگراش کمی تغییر کرده‌اند. ایران می‌گوید دوران محدودیت تمام‌شده است، غرب می‌گوید محدودیت‌ها بازگشته‌اند. در این میان، آنچه پابرجا مانده، اقتصاد تحریم‌زده، شبکه بانکی منزوی و روابط تجاری شکننده است.

در چنین زنگاهی، سیاست‌خارجی ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیمی روشن است. اگر هدف، خروج از بن‌بست است، باید زبان دیپلماسی بر زبان شعار غلبه کند. ایران می‌تواند از موضع «پایان ۱۰ساله» به عنوان فرصت استفاده کند تا نظم جدیدی در تعامل خود با جهان تعریف کند؛ نظمی که در آن هم حق غنی‌سازی محفوظ بماند، هم روابط اقتصادی از محاصره خارج نشود. اما اگر این فرصت با لاجأت سیاسی تلف شود، تجربه نشان داده که تنها نتیجه‌اش، تشدید فشار، کاهش صادرات نفت، فرار سرمایه و انزوای بیشتر دیپلماتیک خواهد بود. وزارت خارجه ایران امروز بر موقعیتی قرار دارد که هر واژه‌اش پیامد دارد. اعلام «پایان محدودیت‌ها» اگر با عقلانیت، شفافیت و استراتژی اقتصادی همراه نشود، می‌تواند به معنای ورود به مرحله‌ای تازه از تقابل باشد، نه آزادی.

پایان یک قطعنامه، آغاز یک آزمون
قطعنامه ۲۲۳۱ شاید روی کاغذ به پایان رسیده باشد، اما آزمون سیاست خارجی ایران تازه آغاز شده‌است. این که آیا تهران می‌تواند از دل این پیچ حقوقی و سیاسی، مسیری تازه برای کاهش فشار هاباید، یادر چرخه‌ی تکراری تحریم و مقاومت گرفتار می‌شود، به تصمیم‌های امروز بستگی دارد و ایران می‌گوید به دیپلماسی پایبند است. اگر این جمله تنها یک عبارت تشریفاتی نباشد، می‌تواند معنای نجات‌بخشی داشته باشد. اما اگر تنها به عنوان شعار برای مصرف داخلی باقی بماند، آنگاه «روز پایان» قطعنامه ۲۲۳۱ روز رهایی، که روز ورو به بن‌بستی تازه خواهد بود.

۱۰ سال پیش، جهان برای لحظه‌ای به صلح با ایران امیدوار شد. ۱۰ سال بعد، همان پرونده با چهره‌ای تازه بازگشته است. اکنون پرسش ساده اما سرانوش‌سازی پیش روی سیاست‌خارجی ایران است که می‌خواهد در تاریخ به عنوان کشوری ثبت شود که از پیچ تاریخی عبور کرد، یا به عنوان کشوری که در تکراری پایان مناقشه‌ها گرفتار ماند؟

و امنیتی گسترده توصیف می‌شود. اما بسیاری از بندهای آن مبهم باقی مانده‌است. با افزایش وابستگی ایران به چین در سایه تحریم‌ها و انزوای سیاسی، حضور بگرام به واشنگتن امکان می‌دهد این جریان‌ها را رصد کرده و در صورت لزوم، به پیش از تثبیت آن‌ها در قالب اتحادای بلندمدت، مداخله کند.

روسیه تهدیدی می‌بیند

یکی از مهم‌ترین تغییرات منطقه‌ای تابستان امسال رخ داده، زمانی که روسیه رسماً دولت طالبان را به رسمیت شناخت. نخستین کشوری که این کار را انجام داد، پیش‌تر در آوریل، روسیه طالبان را از فهرست گروه‌های تروریستی حذف کرد. این اقدامات به مسکو نفوذ زیادی بر کابل می‌دهد. به رسمیت شناختن، مشروعیت دیپلماتیک و دسترسی به قرا دادهای تجاری و توسعه را برای طالبان فراهم می‌کند. همچنین به مسکو امکان می‌دهد اگر کابل بیش از حده به سمت واشنگتن متمایل شده، به رسمیت شناختن را لغو کند. نفوذ روسیه، فراتر از دیپلماسی است. افغانستان به شدت به مسیرهای تجاری شمالی و تأمین سوخت از طریق روسیه یا کشورهای متحد عضو سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) وابسته است. مسکو می‌تواند این خطوط حیاتی را برای اعمال فشار اقتصادی محدود کند. همچنین خود را به عنوان ضامن امنیت معرفی می‌کند. روسیه گروه «دولت اسلامی خراسان» (ISKP) را یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهایار آسیای مرکزی و مناطق جنوبی خود می‌داند. ISKP حملات مرگبار انجام داده؛ از جمله حملاتی علیه اتباع روسیه و چین در داخل و خارج افغانستان.

با وجود تهدید ISKP، مسکو می‌تواند بازی ثباتی ناشی از این گروه را به‌هم نهد. به ویژه اگر از تنش آمریکا به بگرام بازگردد. اگر این گروه به کاروان‌ها یا اهداف نزدیک به پایگاه حمله کند، روسیه این حوادث را به عنوان مدرکی برای افزایش خشونت ناشی از بازگشت آمریکانشان خواهد داد. این روایت به مسکو اجازه می‌دهد خود را به عنوان نیروی تثبیت‌دهنده معرفی کند و مشروعیت آمریکار را تضعیف نماید. بدون اینکه به تروریست‌هایی که از آن‌ها می‌ترسد، کمک کند.

اگر واشنگتن به بازسازی بگرام ادامه دهد، مسکو احتمالاً واکنش مرحله‌ای خواهد داشت. در حوزه دیپلماتیک، تلاش می‌کند چین و ایران را بسیج کند و ممکن است از طریق پکن بر پاکستان تأثیر بگذارد. هر چند نمی‌تواند حمایت کامل اسلام‌دینار را تضمین کند، روسیه به متحان خود در CSTO مانند تاجیکستان تأکید خواهد کرد و سعی می‌کند کشورهای همسایه غیر عضو مانند ازبکستان را برای محدود کردن پروازهای آمریکادر دسترسی لجستیکی تحت تأثیر قرار دهد. تمرکز ناشکننده ثبات و تجارت از طریق افغانستان اما احتمال همسویی کامل با مسکو را کاهش می‌دهد و فضای اصطکاک ایجاد می‌کند.